

نقش مسجد در پیروزی انقلاب اسلامی

جعفر ساسان

چکیده:

در این مقاله نقش مسجد را در انقلاب اسلامی بررسی می‌کنیم. پیش‌زمینه‌ی هر انقلابی بسیج سرطری توده‌هاست. به اعتقاد بیشتر صاحب‌نظران حوزه‌ی انقلاب، در بسیج سرطری و سازمانده‌ی مردم سه عنصر نقش جدی دارند: رهبری، ایدئولوژی و سازمان. بنابراین، در مقاله‌ی حاضر کارکردهای سازمانی و تشکیلاتی مسجد برای انقلاب را بررسی می‌کنیم. هرچند مسجد کارکردهای گوناگونی در جامعه دارد؛ اما به کارکردهای آن در سه حوزه‌ی رسانه‌ای-ارتباطی، حمایتی-پشتیانی و فرهنگی-هویتی می‌پردازیم.

کلیدواژه‌ها: مسجد، انقلاب، بسیج، سازمانده‌ی.

طرح مسئله

از دی‌باز، مسجد در زندگی مسلمانان نقش محوری داشته است و زی‌بنا‌ی شکل‌گیری تمدن اسلامی محسوب می‌شود. مسجد در نظام سرطری-اجتماعی مسلمانان فقط کارکرد عبادی و مذهبی نداشته است؛ بلکه کارکردهای سرطری، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و... نیز داشته است.

در ایران، همزمان با ورود اسلام مسجد‌ها شکل گرفتند و پس از آن یکی از نهادهای تأثی‌گذار در زندگی مردم بودند. در شکل‌گیری نهضت‌های سرطری-اجتماعی ایرانیان در دوره‌های مختلف نیز مسجد‌ها نقش بسطو مهمی ایفا کردند؛ مانند قیام سربداران، نهضت مشروطه، قیام گوه‌رشاد و انقلاب اسلامی. در روند شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی، مسجد یکی از عمده‌ترین محلهای تجمع، اعتراض مردم و تظاهرات علیه رژیم بود.

به‌طور معمول، در بیشتر انقلاب‌ها مکان‌های عمومی عامل تجمع افراد به‌دند؛ نظیر باشگاه‌ها در انقلاب فرانسه‌ی شبکه‌های مخفی حزبی. در انقلاب اسلامی نیز مسجد‌ها به صورت آشکار هم‌تن کار را انجام می‌دادند. مسجد عمده‌ترین ابزار روحانیت بود برای ارتباط با قشرهای مختلف جامعه و انتقال ایدئولوژی

انقلاب و بطن‌های روحانیت به مردم. همچنین، عامل اصلی بسیج لیبرال و بازارپن مسجد‌ها بودند؛ به دلیل پیوند تاریخی مسجد و بازار در قلم‌ها و اعتراض‌های مردمی. بنابراین، در انقلاب اسلامی مسجد در کنار دو رکن رهبری و انجمن‌های نقش‌آفرینی کرد. مسجد، در جایگاه نهاد مدنی بوم‌ی، در مقایسه با سازمان‌ها و نهادهای مدنی مدرن نقش بسط‌دهی مهمی ایفا کرد و قابلیت مذهب و نهادهای مذهبی را به نمایش گذاشت.

سؤال اصلی

سؤال اصلی پژوهش این است که در دوره‌ی شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۴۲-۱۳۵۷) مسجد‌ها چه نقش و کارکردهایی داشتند؟

فرضیه

فرضیه این است که در انقلاب اسلامی مسجد‌ها سازمان‌ها و تشکلهای انقلابی بودند که با ارائه‌ی کارکردهای رسانه‌ای - ارتباطی، حمایتی - پشتیبانی و فرهنگی - هویتی توانستند، در غیاب سازمان‌های بسیج‌گر، مهم‌ترین نقش را در بسیج سطری و سازماندهی مردم بازی کنند.

مفهوم‌های پژوهش

- ۱ - مسجد: عبادتگاه مسلمانان است و کارکردهای گوناگونی در جامعه دارد؛
- ۲ - انقلاب: تغییری‌های سریع، وسیع و همه‌جانبه‌ی سطری، اجتماعی و فرهنگی جامعه است و به‌طور معمول با خشونت همراه است؛
- ۳ - بسیج: فراخندی است که طی آن جمعیتی منفعل به جمعیتی فعال تبدیل می‌شود و با گردآوری امکان‌ها منازعه‌ی انقلابی می‌کند؛
- ۴ - سازماندهی: یگانگی در تعویب منافع است از راه تأمین هویت مشترک و همبستگی.

متن‌های پژوهش

متن مستقل: صلاحیت و قابلیت مسجد در جایگاه نهادی بوم‌ی و پایگاه‌ی اجتماعی.

متن وابسته: بسیج سطری و سازماندهی مردم در انقلاب اسلامی.

چهارچوب نظری

چهارچوب نظری پژوهش برپایه‌ی نظری‌های نهادگرای سازمان‌گراست که نقش سازمان و تشکلات را در بسیج و سازماندهی انقلابی بررسی کرده‌اند. براساس این نظریه‌ها، موفقیت یا شکست جنبش‌های اجتماعی بستگی به آن دارد که سازمان جنبش چگونه طراحی و به‌کار گرفته شوند و تا چه حد در بسیج موفق باشند. یکی از این نظریه‌ها به چارلز تیلی مربوط است که در کتاب «From Mobilization to Revolution» آن را تشریح کرده است. فرض اصلی تیلی این است که عرصه‌ی سرکشی چندی جز منازعه‌ی گروه‌های مختلف بر سر قدرت سرکشی نیست و این منازعه در همه‌ی سطح‌های جامعه‌سازی جاریست. او علت‌ها و انگیزه‌های منازعه را براساس مدل جامعه‌ی سرکشی تیلیت حاکمه توضیح می‌دهد و چگونگی شکل‌گیری و انجام آن را براساس مدل بسیج. او هر گروه و جمعیتی را به حکومت، اعضای جامعه‌ی سرکشی و گروه‌های منازعه‌گر ائتلافی تقسیم می‌کند.^۱

وی معتقد است آنچه میزان موفقیت هر یک از گروه‌ها را تعیین می‌کند عبارت است از: منبع‌های تهدید و اجبار، منبع‌های اقتصاد، منبع‌های هنجاری یا ارزشی (همبستگی و وفاداری درون‌گروهی) و دیگر منبع‌های مفتی جامعه. این گروه‌ها پیوسته منبع‌های جمعی خود را برای ورود به جامعه‌ی سرکشی یا ماندن در آن بسیج می‌کنند.^۲ تیلی می‌گوید:

«مهم‌ترین عنصر هر انقلاب بسیج سرکشی توده‌ها بوده و ایدئولوژی، رهبری، تشکل و سازمان و

توده‌ی مردم مهم‌ترین ارکان هر بسیج سرکشی هستند».^۳

حال باتوجه به مدل تحلیلی چارلز تیلی به ارائه‌ی کلوکردها و کارونیه‌های سازمان در بسیج سرکشی می‌پردازیم که به شرح زیر است:

۱ - سازمان بایستی قادر باشد مکان انقلابی‌ها با یکدیگر، انقلابی‌ها با توده‌ی مردم و این دو با رهبری ارتباط دقیق و منطقی برقرار کند. همچنین، رساندن اخبار و اطلاعات از کارونیه‌های سازمان است.

۲ - کارونیه‌ی دوم سازمان پشتیبانی مالی و تدارکاتی است؛ درواقع بسیج منبع‌ها و امکانات.

^۱ Charles Tilly, From Mobilization to Revolution, London: Addison Wesley (1978), P:52

^۲ Ibid, P: 57

^۳ شجاع احمدوند، فرایند بسیج سیاسی در انقلاب اسلامی، در مجموعه مقالات انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، تهران، نهاد رهبری، ۱۳۷۴، ص ۶۰.

۳- کاروئی‌هی سوم اتحاد همبستگی و هویت مشترک مطن توده هاست . سازمان باید قادر باشد طیف‌های مختلف جامعه را زی یک چتر گرد آورد.

حال به بررسی عملکرد مسجدها می‌پردازیم؛ براساس این کاروئی‌ها.

۱- کارکرد ارتباطی- رسانه‌ای مسجد

برای اتحاد بسیج سرطری بای مطن اعضای جامعه ارتباط‌های سازمانی و ساختاری، هرچند ضعیف، وجود داشته باشد تا رهبران انقلابی از طریق این سازمان‌ها با اعضای جامعه ارتباط برقرار کنند و موقعیت بسیج را مه‌لی کنند. اگر در جامعه‌ای هیچ نوع نهادی سازمان اجتماعی وجود نداشته باشد، مردم پراکنده باشند و هیچ نوع ارتباط درونی مطن اعضای جامعه در قالب گروه‌های اجتماعی وجود نداشته باشد، رهبران انقلابی قادر به بسیج نخواهند بود؛ بمقداری نداشتن ارتباط با توده‌ها. درنتیجه، بای کمترین میزان از نهادها و سازمان‌های ارتباطی وجود داشته باشد تا امکان بسیج فراهم شود.

حال که ضرورت ارتباط در بسیج و انقلاب انکارناپذیری است، بای دخی مسجد چه نقشی در این زمینه ایفا کرده است. آلی در عصری که عصر انقلاب ارتباط‌ها و به تعبیری مک‌لوه ان «دهکده‌ی جهانی» نام گرفته است، مسجد می‌تواند با قدمتی ۱۴۰۰ ساله با رسانه‌های ارتباطی نو رقابت کند؟

در پاسخ به این سؤال‌ها نخست نگاه‌ی به وضعیت رسانه‌های نو - مکتوب، دیداری و شنیداری - و ورود آن‌ها به ایران می‌اندازیم و سپس بپای مقایسه‌ی مسجد با آن‌ها، کاروئی‌های ارتباطی مسجد را در بسیج سرطری بررسی می‌کنیم.

ورود رسانه‌ها به ایران و نفوذ مسجد بر مردم

از ورود رسانه‌های جدید به ایران حدود دو قرن می‌گذرد. در دهه‌ی اول قرن نوزدهم رسانه‌های چاپی وارد ایران شدند که با سلطه‌ی حکومت قرینی شدند. حکومت قاجار، به ویژه در دوره‌ی ناصرالدین شاه، سعی کرد با اعمال انحصار، کنترل و سانسور در این رسانه‌ها آن‌ها را ابزار ارتباطی خود کند. ظهور تلگراف در اوایل دهه‌ی ۱۸۶۰ میلادی در ایران نیز سبب تحول‌های بسطی شد. این کانال ارتباطی که برای تحقق هدف‌های امپریالیستی و استعماری بریتانی در ایران توسعه یافت، به تقویت حکومت مرکزی در داخل و توسعه‌ی هدف‌های استعماری منجر شد. بدین ترتیب، در اواخر قرن نوزدهم این دو رسانه‌ی مهم در تقابل

با مردم، فرهنگ و اعتقادهای آنها قرار گرفتند.

با روی کار آمدن حکومت پهلوی، بهره‌گیری از فناوری‌های جدید ارتباطی، علاوه بر مطبوعات و تلگراف، در دستور کار قرار گرفت؛ نظمی رادی. با تأسیس خبرگزاری پارس، وسیله‌های ارتباط اجتماعی به انحصار کامل دولت درآمد. این سرطست‌ها در دوران محمدرضا شاه نفی ادامه یافت و با تئیس تلویزیون، در سال ۱۳۳۹، این رسانه‌ی جدیدی به رسانه‌های قبلی اضافه شد. سرطره‌ی کامل رژیم پهلوی بر رسانه‌ها و ترویج این‌ها و الگوهای موردنظر رژیم - که با فرهنگ بیشتر افراد جامعه همخوانی نداشت - باعث شد که کانال‌های ارتباطی سنتی مستقل از کانال‌های ارتباطی مدرن فعالیت کنند. در نتیجه، نظرها ی ارتباطی جامعه از طریق کانال‌های سنتی تأمین می‌شد. این امر بموئیه پس از قلم ۱۵ خرداد جدی‌تر شد؛ با ظهور امام خمینی (قدس سره) که رهبر نهضت بود و مسجدها که پایگاه نهضت اسلامی بودند.

یکی از دلی‌های موفقیت مسجد بهره‌گیری از ارتباط چهره‌به‌چهره بود که باتوجه به فرهنگ شفاهی جامعه‌ی ایران بسط و تأشی‌گذار بود. و طعم هاکتن با بررسی تجربه ی ارتباط‌های سنتی درباره ی انقلاب اسلامی می‌گوید:

«آنچه در ایران روی داد، بی سابقه بود؛ چون از ارتباطات چهره به چهره، ارتباطات سنتی، راهبهای‌ها و خطبه‌های نماز جمعه برای خدمت به انقلاب استفاده می‌شد».^۴

دلی دیگر به مسئله‌ی مشروعیت رسانه‌ها و پذی‌ش مردمی آنها برمی‌گردد. باتوجه به این‌که رسانه بای حامل نظم‌ی برای مخاطب باشد، هرچه این بهام با فرهنگ و اعتقاد جامعه تناسب بیشتری داشته باشد، پذیرفتنی‌تر خواهد بود. درحالی‌که رسانه‌های نو از ابتدا با طراحی بیگانگان وارد ایران شده بودند، در ادامه نفی مروج فرهنگ بیگانه بودند و در نتیجه مشروعیت چندانی در جامعه نداشتند. اما مسجد قدمتی ۱۴۰۰ ساله داشت و حامل نظم اسلامی و مروج اعتقادهای جامعه بود؛ در نتیجه مشروعیت زیادی در جامعه ی ایران داشت. به گفته‌ی حمی مولانا:

«مسجد در جامعه ی اسلامی، به‌عنوان مهم‌ترین کانال ارتباطات اجتماعی، همواره به عنوان منبع حرکت‌های فرهنگی و معنوی عمل می‌نمود و نه‌تنها در بعد تزکیه‌ی معنوی، که به عنوان منبع

^۴ ناصر باهنر، رسانه‌ها و دین، تهران، مرکز تحقیقات صدا و سیما، ۱۳۸۵، ص ۶۸.

دانش و اطلاعات مربوط به جامعه آحاد مردم را تغذی می کرده است».^۵

انقلاب اسلامی، از دین گاه فرهنگ و ارتباط، واکنشی علی جرطن غالب در رسانه های مدرن ارتباطی بود که در اثر آن نیز ارتباط های سنتی بر کانال های مدرن ارتباطی پیروز شد.

«این واقعه ی مهم نشان داد که در کشورها ی اسلامی، به ویژه در ایران، رسانه های سنتی، هم گفتاری و هم مکتوب، نه تنها در مقابل و روظلوه یی با رسانه های جدید وجود و اهمیت خود را از دست نداده اند، بلکه با مشروعیت و ویژه ای که در جامعه دارند، تحرک بیشتری در دو دهه ی اخیر پیدا کرده اند. انقلاب اسلامی ایران نشانه ی بارز آن در عصر حاضر است؛ زیرا این انقلاب مرهون تحرک و ابتکار زی ساخت های اطلاعاتی و ارتباطی سنتی بوده و می باشد».^۶

دلی دیگر موفقیت رسانه ای مسجد، بهره گیری از رسانه های نو در جهت هدف های انقلاب بود. در واقع، مسجد در جایگاه پایگاه و منبع ارتباط های انقلابی، هم رسانه های نسل اول رسانه های شرفاه ی و چهره به چهره را در اختیار داشت، هم موعظه و خطابه یا رسانه های نسل دوم و سوم را؛ مانند کتاب، جزوه، اعلامی و کاست هایی که حاوی بلم های رهبر انقلاب بود. مسجدها توانستند از ترکیب رسانه های گوناگون مطن رهبری و توده ها ارتباط برقرار کنند. آلون تافلر در کتاب «جابجایی در قدرت» می نویسد:

«درک این مطلب که مذهب سازمان یافته، صرف نظر از هر چینی دیگری که باشد، رسانه ای است انبوه، کمک می کند تا بسطی از جابجایی های قدرت معاصر را تبیین کنیم».

سپس در مورد انقلاب اسلامی می نویسد:

«در ایران، آیت الله خمینی نفیت طبقاتی و خشم ملی گرانچه را با شور مذهبی در آمیخت. عشق به الله، به علاوه ی نفرت از امپریالیسم و به علاوه ی مخالفت با سرمای داری انقلابی که خاور مطنه را به کانون بالقوه ی جنگ و درگیری تبدلی ساخت».

و ادامه می دهد:

«اما آیت الله خمینی به کاری بیش از ترکیب این سه عنصر در یک حرکت پر شور واحد دست زد. وی همچون رسانه های موج اول، بیری موعظه های چهره به چهره ی روحانی برای مؤمنان را با

^۵ همان، ص ۴۱.

^۶ حمید مولانا، گذر از نوگرایی، ترجمه ی یونس شکرخواه، تهران، مرکز تحقیقات رسانه ها، ۱۳۷۱، ص ۸۵.

تکنولوژی موج سوم ترکیب کرد. نوارهای صوتی حاوی پیام‌های سرطانی که در مساجد به‌طور مخفی توزیع می‌گردید و در همان‌جا پخش می‌شد و به کمک دستگاه‌های ارزان‌قیمت تکثیر می‌گردید. شاه برای مقابله با آیت‌الله خمینی از رسانه‌های موج دوم، یعنی مطبوعات و رادیو و تلویزیون، استفاده می‌کرد. به محض این‌که آیت‌الله خمینی توانست شاه را سرنگون کند و کنترل دولت را در دست گیرد، فرماندهی این رسانه‌های متمرکز موج دومی را نفی در اختیار گرفت.^۷

یکی دیگر از عامل‌های موفقیت ارتباطی مسجد مصونیت در برابر حملات‌های رژیم بود. درحالی‌که رژیم شاه با نهادها و سازمان‌های مدرن به شدت برخورد می‌کرد و اجازه‌ی اظهار وجود به آن‌ها نمی‌داد، مسجد به دلیلی قداست و حمایت مردمی از تعرض مصون بود و مبارزان مذهبی می‌توانستند در پوشش مذهب فعالیت‌های انقلابی را نفی پیگیری کنند.

حسینی هیکل در این باره می‌نویسد:

«در کشورهای اسلامی نهادی به چشم می‌خورد که قدرت قادر به دسترسی بدان نمی‌باشد و آن‌ها نهاد مسجد است. با این نهاد نمی‌توان مذاکرات پنهانی داشت و یا به آن رشوه داد؛ زیرا انجام چنین عملی به مثابه‌ی توهین به عمیق‌ترین و گرامی‌ترین اعتقادات مردم است. مسجد برای اجتماع مردم مکانی فراهم آورد که حتی از دسترس مؤثرترین پلیس مخفی به دور است. مردم به قیمت جان‌شان از مسجد دفاع می‌کنند. مذهب به گرد زندگی مردم عادی یک حصار امنیتی می‌کشد که مسجد و قرآن سمبل‌های آن به شمار می‌روند».^۸

درنهایت، بانی گفت که گستردگی شبکه‌ی مسجدها در سراسر کشور، از بزرگ‌ترین شهرها تا روستاها، این امکان را بوجود آورده بود که بنم‌های انقلابی به راحتی در سراسر کشور پخش شود و همه‌ی مردم با موعظه‌های انقلابی و بنم‌های رهبر انقلاب در ارتباط باشند. جان. دی. استمپل از کارشناسان سفارت آمریکا می‌نویسد:

«یک جنبه‌ی مهم رشد حرکت انقلابی، مشارکت دائمی و فزاینده‌ی سازمان‌های شیعی مذهب ای‌ان‌ان در جنبش بوده است. درک شور ۳۵ ملیونی ای‌ان، تقریباً ۸۰ تا ۹۰ هزار مسجد و ۱۸۰ تا

^۷ آلون تافلر، جابجایی در قدرت، ترجمه‌ی شهیندخت خوارزمی، چ چهارم، تهران، ۱۳۷۲، ص ۵۴۳.

^۸ حسنین هیکل، ایران: روایتی که ناگفته ماند، ترجمه‌ی حمید احمدی، تهران، الهام، ۱۳۶۳، ص ۲۳۶.

۲۰۰ هزار روحانی وجود دارد و سریع‌ترین و مطمئن‌ترین راه برای رساندن پیام از شهری به رهبران

شهر دیگر از طریق شبکه‌ی مساجد انجام می‌گرفت».^۹

در نتیجه، مسجد به دلیلی‌هایی که ارائه شد توانست پایگاه رسانه‌ای و ارتباطی جریان‌های مخالف رژیم باشد و تنها نهاد مستقل از دولت و تنها گزینه‌ی ممکن برای بسیج مردم باشد. در واقع، کارکرد رسانه‌ای مسجد در ارتباط با دو رکن دیگر انقلاب نفی بسط مهم بود؛ یعنی رهبری و ایدئولوژی. زیرا از طرفی پایگاه ارتباطی مردم و رهبری انقلاب مسجد بود و در طول سال‌های تبعید حضرت امام (قدس سره) قطع نشد و از طرف دیگر ایدئولوژی انقلاب از طریق مسجد گسترش می‌یافت که از اندیشه‌ی سرطری شیعه الهام گرفته بود.

۲- کارکرد حمایتی پشعادی مسجد

از جمله شرط‌های موفقیت یک گروه مخالف در منازعه با حکومت آن است که به لحاظ مادی به نظام حاکم وابستگی نداشته باشد. هر نهضتی برای سازماندهی و اقدام‌های انقلابی نظیر منب‌های مالی فراوانی است؛ زیرا در هر انقلابی عده‌ی زیادی درگیری مبارزه می‌شوند و همچنین مقدار زیادی اقدام‌های پنهان انقلابی وجود دارد که بای از لحاظ مالی تغذی شود.

در بسطی از کشورهای انقلابی، گروه‌های مبارز خرج‌های خود را از طریق سرقت بی‌کمک‌های اعضای خود تأمین می‌کنند. روش اول در مکن چریک‌های انقلابی رایج تر است؛ اما با توجه به اینکه ایدئولوژی انقلاب اسلامی متکی به دین اسلام بود، این روش‌ها در آن جای نداشت. البته درباره‌ی مسجدها چنین نظری وجود نداشت؛ زیرا نهاد مذهب در ایران استقلال خود را حفظ کرده بود و اتحاد مسجد با بازار مهم‌ترین عامل این استقلال بود. بازار در جامع‌های اسلام‌ی، به خصوص در کشورهای شیعه، ارتباط نزدیکی با محفل‌های دینی داشته است؛ از قبیل حوزه‌های علمیه، مسجدها و هیئت‌های مذهبی. این نزدیکی و آمیختگی فقط به بعد فنیکی و کالبدی منحصر نبود؛ بلکه فراتر از آن نوعی همبستگی و تجانس فکری فرهنگی مکن بازار و مسجد در صف‌بندی‌های اجتماعی - سرطری تشکلی می‌داد. برخی معتقدند که پیوند مکن این دو نهاد فراتر از ارتباط آن‌ها با سای قشرها و نهادها بوده است؛ از جمله با نهاد حکومت یا ارگ. تبلور این پیوند و اتحاد را می‌توان در تاریخ جنبش‌های سرطری - اجتماعی دویمت سال اخ‌ی ایران بخوبی

^۹ جان.دی. استمپل، درون انقلاب ایران، ترجمه‌ی منوچهر شجاعی تهران، رسا، ۱۳۷۸، ص ۶۸.

مشاهده کرد. براساس مستندهای تاریخی، در هیچ یک از جنبش‌های تاریخ معاصر ایران - همچون جنبش تنباکو، قلم مشروطه و انقلاب اسلام‌ی - این دو نهاد مقابل یکدیگر قرار نگرفته اند؛ بلکه در همه‌ی صفت‌بندی‌ها جبهه‌ی واحدی علی‌استبداد داخلی و استعمار خارجی بودند. بر این اساس، قصد داریم به ریشه‌های تاریخی این اتحاد بپردازیم و نقش آن را در بسیج مردمی در انقلاب اسلامی بررسی کنیم.

اتحاد مسجد و بازار در ایران

مسجد و بازار دو نهاد از نهادهای اجتماعی هستند که نخست در شهرها پدید آمدند. کارکرد و موقعیت ظهور این دو نهاد به گونه‌ای بوده است که از اساس جز در اجتماع های شهری امکان وجود و تداوم نداشتند. احمد اشرف در مورد وضعیت کالبدی و فضایی شهرهای اسلامی می‌گوید:

«شهر اسلامی به لحاظ کالبدی متشکل از سه رکن اصلی ارگ، مسجد جامع و بازارها بوده است که محل استقرار و جایگاه عناصر متشکل اجتماع شهری، بصری عمال دینانی، علما و بازارکن بوده است».^{۱۰}

ساخت کالبدی شهرهایی که فرمانروان مسلمان، در دوره‌ی اسلامی، برپا نهادند نیز به خوبی حضور برجسته‌ی این دو نهاد را نشان می‌دهد. احمد اشرف می‌نویسد:

«شهرهایی که فرمانروان اسلامی برپا گذاردند دو پای‌ی اصلی داشت، یکی مسجد جامع و دیگری بازار. مساجد جامع در شهرها همواره دو کارکرد سرطری و مذهبی داشت و عموماً در کنار مقر فرمانروان و والیان قرار داشت و بعضاً مرکز اجتماعات سرطری و رسم‌ی هم بوده است و معمولاً در کنار آن مدرسه‌ی علم‌ی شهر واقع بود و بالاخره بازار که آن را احاطه می‌کرد».^{۱۱}

مدینه که در دوره‌ی اسلامی در مقابل شهرستان بکار می‌رفت، گذشته از موفقیت دیوانی نقش مذهبی مهمی نیز داشت. از این رو، مسجد آدینه‌ی مسجد جامع به تدریج به یکی از رکن‌های اصلی جامع‌های شهری بدل شد؛ تاجایی که شاخصه‌ی تمیزی تجمع‌های شهری از اجتماع‌های غی‌شهری وجود مسجد جامع بود. بدین معنی که استقرار مقام‌های مذهبی و برپایی مسجد آدینه و اقامه‌ی نماز جمعه در سکونتگاه مستلزم آن بود که جمعیت ثابت آن ناحیه تا میزان معینی افزایش یابد.

^{۱۰} احمد اشرف، موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران، دوره‌ی قاجاریه، تهران، پیام، ۱۳۵۹، ص ۲۳.

^{۱۱} همان، ص ۱۸ و ۱۹.

با اینکه ارگ، در کنار مسجد و بازار، یکی از سه نهاد عمده ی شهری بود؛ اما اعمال دیوانی در یک وئی گئی شاخص با علما و بازارین تفاوت داشتند و آن خاستگاه اجتماعی آنان بود. علما و بازاریان بیشتر خاستگاه شهری داشته؛ اما اعمال دیوانی، هرچند که در شهرها اقامت داشتند، بیشتر تبار اعلیائی داشتند و خاستگاه غی شهری آنان مشهود بود. شایع یکی از دلیلهای اتحاد و نزدیکی مسجد و بازار با علما و بازارین در مقابل حکومت ها همین یگانگی ریشه و خاستگاه اجتماعی آنان باشد.

همبستگی مسجد و بازار در ایران نفی در دوره های مختلف تاریخی وجود داشته است و این امر به ویژه با ورود استعمار به ایران پررنگ تر شد. در دوران حاکمیت سلسله ی قاجار، نحوه ی تعامل دولت با علما و اعطای امتیازهای اقتصادی به بیگانگان باعث شد نه تنها پای طرف خارجی به مناسبت های قدرت در ایران باز شود، بلکه دو طرف دیگر مسئله نفی در موضع تخصصی با دولت قرار بگیند؛ یعنی مسجد و بازار. نمونه ی بارز این صف بندی جنبش تحریم تنباکو بود که در آن مسجد و بازار در یک صف واحد در مقابل شاه و طغی خارجی قرار گرفتند. استمرار این صف بندی به نهضت مشروطه منجر شد که برای اولین بار اقتدار پادشاه را به چالش کشید.

اتحاد مسجد و بازار در دوره های بعد نفی ادامه یافت و با توجه به سرکشت های رژیم شاه موجب نزدیکی بیشتر این دو نهاد شد؛ سیاست هایی نظیر نوسازی به سبک غربی، ترویج ابتذال و بی بندوباری در جامعه، زیر فشار گذاشتن قشرهای مذهبی و به ویژه بازارین. این اتحاد باعث شد که در انقلاب اسلامی بازارین و بازار، به مثابه ی هادی سنتی، نقش به سزایی ایفا کنند؛ چه از لحاظ مالی و چه از لحاظ سرکشی. از لحاظ سرکشی موقعیت بازار و جمعیت آن نقش مهمی در شکل گیری تظاهرات مردمی داشت. بازارین گروهی از اجتماع سنتی شهرنشین بودند که چند هزار مغازه داشتند و همچنین با جمعیت زیادی از مردم در ارتباط بودند. هرگاه اتفاقی می افتاد، آن ها بازار را می بستند و در مسجدها تجمع می کردند. تعطیلی بازار باعث نارضایتی مردم و اعتراض به دولت می شد و تا حدی زمینه ی شکل گیری تظاهرات مردمی را فراهم می کرد. محتاق پارسا می نویسد:

«تنها کانال بسیج بازارین در اتحاد با سای گروه ها مساجد بودند».^{۱۲}

«مساجد محل امری برای بازاری ها فراهم کرده بودند تا گردهم آیند و به مخالفت با رژیم پرداخته

^{۱۲} Misagh parsa, social origin of Iranian Revolution, Rutgers university press, (1989) P: 94

و فشارهای حکومت را افشا کنند».^{۱۳}

از لحاظ اقتصادی نفی بازار نقش مهمی در پشتیبانی از مبارزه‌های انقلابی و انقلابی‌ها داشت که می‌توان به موردهای زیر اشاره کرد:

۲- ۱- ساخت مسجد و مکان‌های مذهبی

بسیاری از مسجدها و حسینیه‌ها شهرهای بزرگ در کنار بازار ساخته می‌شد و بازارخان در ساخت آن نقش داشتند. ساخت حدود پنجاه مسجد کوچک و بزرگ در محدوده‌ی بازار تهران، در دوره‌های مختلف، دلیلی بر این مدعاست. برخی از این مسجدها نفی به نام باخان آن‌هاست؛ مانند مسجد جلالی، مسجد سیدی عزیزی‌الله، مسجد لباسچی، مسجد حاج علی اکبر بزاز، مسجد حاج رضا همدانی، مسجد حاج حسین بلورفروش و... .

۲- ۲- تأسیس و راه‌اندازی صندوق‌های قرض‌الحسنه و حمایت از مبارزه

تأسیس صندوق‌های قرض‌الحسنه در بازار علی‌مسجدها و کمک بازارخان به آن‌ها یکی از راه‌های حمایت بازار از نهضت انقلابی ایران بود. در این رابطه سندهایی نفی وجود دارد:

«یکی از صندوق‌هایی که به افراد محتاج قرض می‌دهد و آن‌را با قسط ماهانه دریافت می‌کند، صندوق قرض‌الحسنه‌ی جاوید واقع در خط‌های خسروی‌نو و صندوق دیگری در بازار سرای محمدی است که بیشتر به طلاب و روحانیان وام می‌دهد و ظاهراً اساس تشکلی این صندوق بر همین مبنا بود. در این صندوق چند نفر از بازاری‌ها و سیدی عبدالکریم هاشمی‌نژاد و شیخ ابراهیم طالبی نظارت دارند».^{۱۴}

آقای هاشمی رفسنجانی نفی در خاطره‌های خود می‌نویسد:

«ضمناً بزرگ‌خوئی‌ی رفاه را هم درست کردم که پوشش خوبی بوده برای حل مشکلات کسانی که در جریان مبارزه آسیب می‌دیدند. صندوق‌های قرض‌الحسنه را هم تشویق کردم که هم

^{۱۳} Ibid , P : 125

^{۱۴} مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، یاران امام به روایت اسناد ساواک، کتاب پنجم، شهید هاشمی‌نژاد، ۱۳۷۶، ص ۵۹۹.

پوشش خوبی برای همان کارهای امدادی سرطری و هم راهی برای حضور بیشتر در مساجد و بهره‌گویی بیشتر از آنها به عنوان پایگاه مبارزه».^{۱۵}

۲-۳- پرداخت هزینه‌ی هئیت‌های مذهبی و حوزه‌های علمی

باتوجه به اعتقادهای مذهبی بازارکن، آنها خود را ملزم می‌دانستند تا وجه‌های شرعی به علما و حوزه‌های علمی پرداخت کنند. اگر آنها از پرداخت مالیات به دولت سرباز می‌زدند، ولی در پرداخت وجه‌های شرعی بسطه می‌بودند. استمپل می‌نویسد:

«به‌هرحال بازار و مسجد همیشه با یکدیگر همکاری داشته‌اند. هزینه‌های حوزه‌های علمی و تغذ تا

۸۰ درصد هزینه‌ی گذران زندگی روحانیون توسط همین تجار تامین می‌گردد».^{۱۶}

موردهایی که بیان شد نشان‌دهنده‌ی نزدیکی و پیوند مسجد و بازار است و تأثیری این دو نهاد در پیروزی انقلاب اسلامی. درحالی که بازارکن نظرات فکری، فرهنگی و عقیدتی خود را از طریق مساجد ها برطرف می‌کردند، با کمک‌های خود نفوذ نظرات مساجد ها را برطرف می‌کردند و مبارزه‌های مردمی را از طریق مساجد ها وسعت می‌بخشیدند.

۳- کارکرد فیهنگی - هویتی مساجد ها

همان‌طور که اشاره شد، یکی از کارکردهای سازمان در جریان بسیج سرطری و سازماندهی توده‌های انقلابی ایجاد فرهنگ و هویت مشترک و بسیج عقیدتی و ارزشی است. سؤال این است که کاروئیه‌های مسجد در ایجاد فرهنگ و هویت مشترک چه بوده است؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان به این موردها اشاره کرد:

۳-۱- رابطه مسجد با روحانیت

رابطه‌ی مسجد و روحانیت رابطه‌ی دی‌نیه‌ای است. گرچه از ابتدای ظهور اسلام و تأسیس مسجد مردم با

^{۱۵} اکبر هاشمی رفسنجانی، دوران مبارزه، خاطرات، تصویرها، اسناد تهران، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۷۶؛ ص ۲۳۳.

^{۱۶} استمپل، همان، ص ۶۹.

حضور در آنجا و دینار با پلعبیر سؤال‌ها و مشکلات خود را در میان می‌گذاشتند و آنجا مرکز هم‌هی فعالیت‌های جامعه‌ی اسلامی بود؛ اما با گذشت دوران اولی و گسترش علم فقه و حدیث کم‌کم جرطن‌های علمی در جامعه‌ی اسلامی پا به عرصه‌ی وجود گذاشت و روحانیت در مقام کارگزاران مذهب و وظیفه‌ی ارشاد و راهنمایی مردم و آموزش تعلیم‌های اسلامی را برعهده گرفتند. با فاصله گرفتن حکام از تعلیم‌های دینی و مسجد و تأسیس دارالحکومه، نهادهای مستقل مسجدهای مردمی پا به عرصه‌ی وجود گذاشت. در ایان، به‌ویژه از دوره‌ی صفوی و با دعوت از روحانان سالی‌کشورها، طبقه‌ی جدیدی از روحانیت شکل گرفت که انسجام و تشکلات داشت و بسطی از امور مردم به‌عهده‌ی آنان بود؛ از جمله آموزش، قضاوت، امور ثبتی و مالی.

در تاریخ سرتی‌ایان، روحانان توانستند در قلم‌های ضداستبدادی و ضداستعماری نقش تعیین‌کننده‌ی ای ایفا کنند. دکتر ازغندی معتقد است که:

«روحانان در مقایسه با سالی اقشار و نیوهای اجتماعی و تشکلهای سرتی، سازمان یافته‌ترین و منسجم‌ترین نیوهای اجتماعی جامعه‌ی ایان را تشکلی می‌دهند. روحانان منابع قدرت متعددی داشتند. اولین و مهم‌ترین کانونی که روحانان از آنجا اعمال قدرت می‌کردند مساجد است»^{۱۷}.

بنابراین، بهره‌گویی روحانیت از مسجدها باعث شد که در جرطن انقلاب اسلامی، همانند صدر اسلامی، مسجدها در جایگاه پایگاه و تشکلات مبارزه ایحاء شوند و نقش آفرینی کنند. در این بطن نقش امام خمینی (قدس سره) در مقام اهل‌گر مسجدها در عصر حاضر نیز بسطی تأثی‌گذار بود. وی در همه‌ی مرحله‌های مبارزه قشرهای مختلف جامعه را به بهره‌گویی از مسجد و اهل‌ی مجدد آن دعوت می‌کرد که باعث شد گرایش مردم به مسجدها بیشتر شود. روحانیان و وعاظ نیز با طرح مسئله‌های سرتی مسجدها را از جنبه‌ی عبادی صرف خارج کردند.

۳-۲- مسجد و تحول اندیشه‌ی دینی

یکی از اتفاقات‌های نادری که در جرطن انقلاب اسلامی رخ داد و در تاریخ معاصر ایران بی‌نظیر بود، حضور روشنفکران مذهبی‌غی‌روحانی در مسجدها بود همراه با روحانان. در گذشته منبر و خطابه مختص

^{۱۷} علیرضا ازغندی، تاریخ تحولات سیاسی - اجتماعی ایران، تهران، سمت، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۳۰ - ۱.

روحانان بود؛ اما در دوره‌ی انقلاب و با دعوت روحانیت روشن بین و آگاه، پای متفکران مذهبی و دانشگاهی به مسجدها باز شد و باعث شد تحولی جدی در عرصه‌ی اندیشه‌ی دینی به وجود آید. شایع یکی از دلایل‌های این کار تجربه‌آموزی روحانان از نهضت مشروطه باشد. در جریان مشروطه، درحالی که مردم و روحانیت از پایگاه مسجد به مقابله با استبداد پرداخته بودند، روشنفکران در محفل‌های سری و انجمن‌ها فعال بودند و مسی‌دی‌گری را دنبال می‌کردند. نهضتی که با رهبری روحانیت، همراهی مردم و از پایگاه مسجدها شروع شد؛ ولی درنهایت به کژراهه رفت و از سفارت انگلیس سردرآورد. قیام‌ها و تلاش‌های مردم و روحانیت به انحراف کشیده شد و به روی کارآمدن رضاخان و شکل‌گیری استبداد در ایران انجامید.

بهره‌گیری علمای آگاه و روشن بین، همچون آیت‌الله طالقانی، شه‌ی مطهری، شه‌ی مفتاح، شه‌ی بهشتی از توانایی فکری و علمی روشنفکران مذهبی، نظری دکتر شریعتی، مهندس بازرگان، باعث شد که اتحاد نئوهای مذهبی بیشتر شود، چهره‌ی جدیدی از اسلام معرفی شود و غبار تحجر از چهره‌ی دینی زدوده شود. بهره‌گیری این‌تولوزی‌ک از مکتب تشیع در مقام راهنمای عمل انقلابی باعث شد که جوانان دانشگاهی و فعالان انقلابی به سلاح فکری جدیدی مجهز شوند و در مقابل تفکرهای مارکسیستی قد علم کنند و درنهایت گفتمان سوسیالیستی به گفتمان پیروز شد.

۳-۳- مسجد و حفظ هویت دینی جامعه

هویت به منزله‌ی شناسنامه‌ی ملی جامعه است و شخصیت آن جامعه را معرفی می‌کند. هویت دینی در جامعه‌ی ایران گسترش و عمق زیادی دارد و تاکنون تلاش‌های مخالفان دینی نتوانسته است آن را کمرنگ کند. دکتر نقیب‌زاده می‌نویسد:

«هویت مذهبی گسترده‌ترین (از نظر تعداد باورمندان و ژرف‌ترین) از نظر ذهنی و همچنین

اجتماعی هویتی است که در بین ایرانیان وجود دارد».^{۱۸}

سوسیست‌های اسلام‌زدایی رژیم شاه که هویت دینی جامعه را نشانه گرفته بود باعث شد علما به فعالیت‌هایی دست بزنند؛ از جمله توسعه‌ی نهادهای مذهبی و تأسیس مسجد‌ها. اوج فعالیت‌های رژیم در

^{۱۸} . احمد نقیب‌زاده، تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، تهران، وزارت خارجه، ۱۳۸۱، ص ۲۰۴.

قالب برنامه‌ی به اصطلاح انقلاب سفی بود. هدف رژیم از این اقدام حرکت در مسری تعیین شده از سوی آمریكا و غرب گرایى هرچه بیشتر بود.

«در پی انقلاب سفی، شاه سکولاریزه و غربی کردن جامعه را با تأکید بر فرهنگ قبل از اسلام ایان (تا يك اساس اینئولوژیكی برای حكومت فردی وی تهی كند) سرعت بخشید و كوشید تا نهادهای مذهبی را در اخلو خویش كند».^{۱۹}

این اقدامهای رژیم بهواكنش شدی علما، مردم و قطع ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ منجر شد؛ به رهبری امام خمینی. اما رژیم با اقدامهای دیگر در پی زدودن مظهرهای دینی و فرهنگی اسلام از ایان بود و سعی داشت هویت دینی جامعه و ازطرفی تبایغ و ترویج فرهنگ اسلام را كمرنگ كند؛ ازجمله با جشنهای شاهشاهی، تغییر تقویم هجری و... درحالی كه همهی توان رژیم در این راه بهكار گرفته شده بود و همه ی محفل ها و جمعها، ازجمله رسانهها، احزاب دولتی و...، در این راستا قدم برمی داشتند؛ اما نفیوهای مذهبی در جبهه ی مقابل بودند و با رهبری علمای دینی و روشنفكران مذهبی و ازطرفی مسجدها، هم به نفی اقدام های رژیم پرداختند و هم در پی اثبات و ارائه ی فرهنگ اسلامی به زبان روز بودند.

۴ - مسجد و جامعه پذیری سرطری

جامعه پذیری سرطری روندی است كه در آن جامعه فرهنگ سرطری خود را دائمی می كند طروندی است كه با آن فرهنگ سرطری شكل می كند، باقی می ماند و تغییری می كند. در كشور ایران، باتوجه به اكثریت مسلمان جامعه و حاكم بودن فرهنگ شفاه ی و چهره به چهره، یكی از كارگزاران اصلی جامعه پذیری مسجدها و نهادهای مذهبی هستند. بدینی است كه مذهب می تواند عامل بسط مهمی در جامعه پذیری افراد باشد؛ ولی در جامعه ها و دین های مختلف تفاوت های زطدی وجود دارد. در اسلام، مسجد نقش اساسی در جامعه پذیری دارد؛ با ارائه ی كاركردهای عبادی، سرطری، اجتماعی، فرهنگی و... تقابل فرهنگ سرطری شرعی كه ازطرفی مسجدها، حسینیه ها و تكیه ها تبایغ می شد با فرهنگ سرطری رژیم پهلوی، باعث تحول شگرفی در فرهنگ سرطری ایانن شد، مشروعیت رژیم را زی سؤال برد و زمینی انقلاب را فراهم كرد.

^{۱۹} محمد امجد، ایران از دیکتاتوری سلطنتی تا دین سالاری، ترجمه ی، حسین مفتخری، چ ۱، تهران، باز، ۱۳۸۰، ص ۸۱.

۵- مسجد و حفظ همبستگی در جامعه

یکی از ویژگی‌های مسجد که در انقلاب اسلامی نفوذ جلوه گر شد، این بود که همه‌ی قشرهای جامعه، از هر صنف و گروه، به مسجد می‌آمدند و از برنامه‌های آن استفاده می‌کردند. از آنجا که مسجد خانه‌ی خداست و به هیچ گروه، طبقه و حزب خاصی وابستگی ندارد، در آن همیشه به روی مردم باز است و هر کس می‌تواند متناسب با نظر خود از برنامه‌های مذهبی، سرگسری، آموزشی و... آن استفاده کند. ورود به مسجد نه کارت عضویت می‌خواهد و نه هیچ ویژگی خاصی؛ از جمله سن، جنس، سطح سواد، طبقه اجتماعی و... این ویژگی منحصر به فرد باعث شده است که مسجد در مقایسه با نهادهای سرگسری - اجتماعی مدرن جذابیت بیشتری داشته باشد؛ از جمله حزب‌ها، تشکلهای سرگسری، اتحادیه‌های صنفی و... . (نیکویی کدی درباره‌ی استفاده قشرهای گوناگون از مسجدها می‌نویسد:

«طبقه‌ی وسیعی از تحصیل کرده‌ها، دانشجویان، طبقه‌ی سرگسری جدید و ته‌ی‌دستان شهر تحت تأثیر و سازماندهی مساجد، ستون فقرات سرگسری نوین مردمی را فراهم ساختند».^{۲۰}

بنابراین، حضور همه‌ی قشرهای جامعه در مسجدها باعث یکدلی و اتحاد بیشتر مردم شد و زمینه‌ی قیام و انقلاب را فراهم کرد.

نتیجه‌گیری

نتیجه‌ای که در این پژوهش به دست آمد این است که در جریان شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی، مسجدها هر چند در جایگاه نهادی سنتی بودند و قدمتی ۱۴۰۰ ساله داشتند؛ اما با ارائه‌ی کارکردهای متناسب با نظر روز جامعه توانستند گوی سبقت را از نهادهای مدرن و وارداتی بربایند و همچون ستون فقرات و سازمان انقلاب ایفای نقش کنند.

این کارکردها به‌ویژه در سه حوزه‌ی رسانه‌ای - ارتباطی، حمایتی - پشتیبانی و فرهنگی - هویتی باعث شد که فرهنگ و اینتولوژی انقلابی شیعه به گفتمان رایج در جامعه بدل شود و انقلابی اسلامی در ایران شکل بگردد. انقلابی که هر چند در عصری مدرن و در زمانه‌ی به‌حاشی‌رفتن دین از سرگسری و اجتماع شکل

^{۲۰} نیکویی. آر. کدی، بررسی تطبیقی انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی، ترجمه‌ی حسینعلی نوذری، روزنامه‌ی ایران، ش ۴۶۵، تاریخ ۱۳۷۵/۶/۱۸، ص ۶.

گرفت اما از همه ی نهادها بهره جست و شگفتی صاحب نظران و تحلیل گران مسئله های سرطانی را برانگیخت.

منبع: دفتر مطالعات و پژوهشهای مرکز رسیدگی به امور مساجد